

بازنمایی جنگ روسیه و اوکراین در وبسایت خبری الجزیره انگلیسی^۱

سارا اسدی^۲؛ حمداله اکوانی^۳؛ مژگان هوشمند^۴

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۰/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸

چکیده

تأثیرگذاری رسانه‌ها در دنیای امروز انکارناپذیر است. ایدئولوژی حاکم بر رسانه‌ها معمولاً بازتاب‌دهنده ایدئولوژی صاحبان آنهاست؛ این پیوند، به‌ویژه در رسانه‌های دولتی، آشکارتر است. جنگ روسیه و اوکراین- که بزرگ‌ترین بسیج نظامی اروپا از زمان جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود- از آغاز تاکنون، در رسانه‌های مختلف، بازنمایی شده است. وبسایت انگلیسی شبکه الجزیره نیز اخبار این درگیری را به تفصیل پوشش داده است. هدف این مقاله، تحلیل انتقادی گفتمان حاکم بر وبسایت الجزیره انگلیسی و نسبت آن با سیاست خارجی این کشور است. این مقاله، بازنمایی این جنگ در وبسایت الجزیره را با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی بر پایه رویکرد تئون ون‌دایک بررسی می‌کند. براساس نتایج پژوهش، جهت‌گیری این رسانه با سیاست خارجی قطر هم‌سو است. الجزیره با بهره‌گیری از راهبردهایی همچون واژه‌گزینی، به‌نمایی، تمهیدات بلاغی، گواه‌نمایی، استناد، استدلال، مقایسه و معانی ضمنی، نظام معنایی دوگانه‌ای می‌سازد که در آن، یک‌سو اوکراین و حامیان غربی‌اش و سوی دیگر، روسیه قرار دارد. این چهارچوب‌بندی، تصویری مثبت از اوکراین و تصویری منفی اما همراه با تأیید ضمنی را از روسیه ارائه می‌دهد که بازتاب‌دهنده ایدئولوژی هم‌سوی سیاست خارجی قطر مبتنی بر پیوند کشورهای ذره‌ای و حفظ توازن فعال میان قدرت‌هاست. این رویکرد، الجزیره را به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد منافع ملی قطر در صحنه جهانی تثبیت می‌کند. این رسانه، با تنظیم روایت‌ها، نقشی مهم در شکل‌دهی به افکار عمومی بین‌المللی ایفا می‌کند.

واژه‌های کلیدی

جنگ روسیه و اوکراین، الجزیره، بازنمایی، برجسته‌سازی، تحلیل گفتمان، سیاست خارجی.

۱. این مقاله براساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.
sara75asadi@gmail.com

۳. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول).
akvani@yu.ac.ir

۴. استادیار، گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.
m.hooshmand@yu.ac.ir

مقدمه

تبادل سریع افکار از طریق رسانه‌ها، یک جریان جهانی است، به‌گونه‌ای که دنیای امروز بدون رسانه‌ها قابل تصور نیست. همان‌طور که بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند رسانه‌ها بی‌طرف نیستند؛ هر رسانه‌ای حامل ایدئولوژی خاص است و با چهارچوب‌بندی اخبار به شیوه‌ای خاص در پی آن است که یک موضع را برجسته کند و در مقابل، به انتقاد سایر مواضع بپردازد. این جهت‌گیری در رسانه‌های دولتی با شدت بیشتری دنبال می‌شود؛ به ویژه اگر اخبار مربوط به سیاست خارجی باشد که به وضوح می‌توان ایدئولوژی صاحب رسانه را در سبک پوشش اخبار مشاهده کرد. درگیری روسیه و اوکراین، بزرگ‌ترین بسیج نظامی در اروپا از زمان جنگ جهانی دوم به شمار می‌آید و همزمان بزرگ‌ترین جریان رسانه‌ای را در دنیا نیز ایجاد کرد. به عبارت دیگر، منازعه جهانی حول این جنگ به منازعه‌ای فراگیر رسانه‌ای نیز تبدیل شد. از نظر سیاستگذاران روسیه، مداخله و نفوذ اتحادیه اروپا و ناتو به رهبری آمریکا در حوزه‌های امنیت روسیه، نگرانی‌های جدی و حیاتی برای این کشور ایجاد کرده است؛ به شکلی که حوزه نفوذ و حیات خلوت روسیه را روزبه‌روز تنگ‌تر می‌کند. روسیه آمریکا را مداخله‌گر اصلی جنگ و منازعه با آن را در اولویت قرار داد و در گفتمان روسیه، آمریکا بزرگ‌ترین دشمن و پیش روی ناتو به شرق بزرگ‌ترین تهدید برای روسیه به شمار می‌رود. رسانه‌های مختلف جهانی هم در دوی سوی این منازعه هر کدام به نحوی به بازنمایی جنگ روسیه و اوکراین پرداختند که با بررسی این اخبار می‌توان مطابقت شیوه پوشش اخبار با سیاست خارجی این کشورها را درک کرد. بنابراین همزمان این جنگ بزرگ به یکی از دستورکارهای اساسی رسانه‌های مختلف جهان تبدیل شد. یکی از رسانه‌هایی که جنگ روسیه و اوکراین را پوشش گسترده داده است شبکه الجزیره قطر است. شاید بتوان گفت شناخت از قطر در افکار عمومی جهانی بیش از آن که به واسطه اهمیت این کشور کوچک باشد به واسطه دو چیز است: اول سیاست خارجی پویا و دوم شبکه الجزیره. قطر در سیاست خارجی تلاش کرده به یک ایدئولوژی محدود نشود و توانسته تعادل موقعیت خود را در خطوط و گسل‌های خاورمیانه، منطقه‌ای مملو از اختلافات جناحی روابط نزدیک خود را با تمام قدرت‌ها و احزاب حفظ کند (Jalil, 2019: 82).

قطر از نظر ایدئولوژیک به هیچ‌چیز متعهد نیست و بنابراین مایل به ایجاد ائتلاف‌های موقت یا طولانی‌مدت است. به‌طورکلی راهبردهای سیاست خارجی قطر را می‌توان به این شکل خلاصه کرد؛ سیاست ائتلاف با قدرت‌های بزرگ غربی نظیر آمریکا و اروپا؛ تعادل و توازن در سیاست منطقه‌ای مانند ایران و عربستان؛ ایجاد رابطه و تعامل با بازیگران سیاسی مختلف؛ میانجی‌گری در منازعات و بحران‌ها و برندسازی و تصویرسازی بین‌المللی از خود به شیوه‌های مختلف.

تاکتیک مهمی که قطر برای پیشبرد این سیاست و تقویت نفوذ منطقه‌ای خود ایجاد کرده، از طریق چیزی است که می‌توان آن را «قدرت نرم» نامید. در اینجا الجزیره، به‌عنوان ابزاری برای ارتقای تصویر و سیاست‌های قطر بسیار مؤثر بوده است. الجزیره که به معنی شبه‌جزیره یا جزیره است، در سال ۱۹۹۶ توسط امیر سابق قطر، شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی تأسیس شد. برخی از تحلیلگران از الجزیره به‌عنوان «رسانه نوظهور» یادکردند، زیرا نه‌تنها اولین شبکه خبری ۲۴ ساعته عربی بود، بلکه درعین‌حال به مفسران و مهمانانش اجازه داد با گرایش‌های مختلف دیدگاه‌های خود را مطرح کنند که شامل انتقاد از حکومت‌های عربی نیز بود. این در حالی است که پیش از تأسیس الجزیره، انتقاد نکردن از حکومت‌های عربی یک اصل برای رسانه‌های عرب محسوب می‌شد (Sharp, 2003:1). در پی موفقیت شبکه الجزیره این شبکه از سال ۲۰۰۳ جامعه هدف خود را به غیرعرب‌زبانان نیز گسترش داد. امیر قطر در سال ۲۰۰۶ شبکه انگلیسی الجزیره را با بیشتر از یک میلیارد دلار سرمایه تأسیس کرد. اولین شبکه خبری عربی بود که خبرهای ۲۴ ساعته انگلیسی پخش می‌کرد (Powers 2011:6). به‌طور کلی نقش الجزیره در تقویت جایگاه و نفوذ قطر به حدی است که برخی از تحلیلگران عنوان می‌کنند دولت قطر شبکه الجزیره را تأسیس کرد، اما این الجزیره است که قطر کنونی را به وجود آورد است. در این مقاله نحوه بازنمایی بحران اوکراین و چهارچوب‌سازی رسانه‌ای از این جنگ در وبسایت خبری الجزیره و این موضوع که وبسایت الجزیره انگلیسی به‌عنوان مرکز تولید و انتشار محتوای این شبکه برای مخاطبان انگلیسی زبان در صدد ایجاد چه تصویر و ذهنیتی از این بحران است تحلیل می‌شود. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش این است که جنگ روسیه و اوکراین در وبسایت الجزیره انگلیسی چگونه بازنمایی شده است؟

پیشینه پژوهش

در دو دهه گذشته به موازات افزایش توجه بین‌المللی به اوکراین بازنمایی رسانه‌ای این کشور نیز افزایش یافته‌است. در ابتدا با الحاق کریمه به روسیه در مارس ۲۰۱۴ و در ادامه در فوریه ۲۰۲۲ این میزان توجه و تمرکز جهانی رسانه‌ای بر اوکراین بیشتر شده‌است و به همان میزان نیز مطالعات زیادی در مورد بازنمایی اوکراین که همواره غرب و روسیه نیز دو بعد مهم آن بوده‌اند در خارج و داخل ایران انجام شده است.

الف- تحقیقات خارجی

لوه و مصطفی (۲۰۲۲)، در مقاله «گفتمان رسانه‌های اجتماعی مالزی در مورد روسیه و اوکراین» به تبیین احساسات طرفدار روسیه در میان مالزیایی‌ها با استفاده از مردم‌نگاری دیجیتال پرداخته است.

کولتسووا و پاشاخین (۲۰۲۰)، در پژوهش «واگرایی دستور کار در یک درگیری درحال توسعه: شواهد کمی از اخبار تلویزیون اوکراین و روسیه» داده‌های اخبار آنلاین تلویزیون کانال یک روسیه و کانال پنج از اوکراین را بررسی می‌کند و به ارزیابی تفاوت بین دو کانال در برجستگی موضوعات مرتبط با بحران می‌پردازد.

پاولونپو، سترنیاک، املچکو، بوریسون (۲۰۱۸) نیز در پژوهش «شکل‌گیری تصویر روسیه در گفتمان رسانه‌های جمعی سیاسی بریتانیا» بیان می‌کند که سیاست زور به‌طور جدایی‌ناپذیری با سیاست تصاویر ارتباط دارد. این پژوهش به بازنمایی تصویر روسیه در گفتمان رسانه‌های جمعی بریتانیا در سال‌های (۲۰۱۳-۲۰۱۷) پرداخته و گفتمان رسانه‌های جمعی را نتیجه فعالیت‌های شناختی و اجتماعی روزنامه‌نگاران می‌داند.

رومن، وانتا و بونیاک (۲۰۱۷) در پژوهش «جنگ‌های اطلاعاتی: ارتش اوکراین شرقی و پوشش درگیری در روسیه، اوکراین و اخبار ایالات متحده» بیان می‌کند که جنگ در شرق اوکراین در میدان جنگ و همچنین در قلمرو اطلاعات اتفاق می‌افتد و دو طرف این درگیری نظامی، در تلاش هستند تا افکار عمومی در کشور خود و همچنین در خارج از کشور را شکل دهند.

اوجالا، پانتی، جارکو کانگاس (۲۰۱۷) در اثر خود «جنگ چیست، تقصیر کیست؟ قاب‌بندی بصری اوکراین درگیری در روزنامه‌های اروپای غربی» به بررسی پوشش تصویری درگیری اوکراین در گاردین، دی ولت و داگنس می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سؤال بوده که پوشش بصری منازعه چگونه و تا چه اندازه روایت‌های رقیب را بازتولید می‌کند؟

تحقیقات خارجی بیشتر به بررسی احساسات عمومی، تفاوت‌های دستور کار رسانه‌ای، تصویرسازی یک طرف جنگ اطلاعاتی و نحوه پوشش تصویری جنگ اوکراین و روسیه می‌پردازند، در حالی که این مقاله بر تحلیل استراتژی‌های زبانی و معنایی وبسایت انگلیسی شبکه الجزیره و ایجاد نظام دوقطبی همسو با سیاست خارجی قطر تمرکز دارد.

ب- تحقیقات داخلی

شیروانی، زابلی‌زاده و کیا (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی اخبار جنگ اوکراین و روسیه در شبکه‌های خبری فارسی زبان خارجی (مطالعه موردی: بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال)»، به این نتیجه رسیده‌اند که هر دو شبکه خبری از میان چهارچوب‌های عام خبری، به چهارچوب‌های «نسبت دادن مسئولیت» و «علائق انسانی» بیشتر از دیگر چهارچوب‌ها و به «چهارچوب پیامدهای اخلاقی» کمتر از دیگر چهارچوب‌ها توجه نشان داده‌اند.

موفق (۱۴۰۲) در پژوهش «کارکردهای رسانه‌های روسیه برای اقناع افکار عمومی این کشور در جنگ اوکراین با تمرکز بر تکنیک‌های رسانه‌ای» تکنیک‌هایی که رسانه‌های دولتی و همسو با روسیه برای اقناع افکار عمومی در خصوص جنگ اوکراین به کار گرفتند، تبیین کرده است. پیشینه نویسی، نشت هدایت شونده، ماساژ پیام، القاء نظر با استفاده از چیدمان عکس، تثبیت بینش رایج تاریخی به عنوان بخشی از تکنیک‌های به کار رفته در رسانه‌های روسیه برای بازنمایی جنگ روسیه و اوکراین مطرح شده است.

شریفی و پاکدهی (۱۴۰۲) در مقاله «بازنمایی جنگ اوکراین در خبرگزاری اسپوتنیک فارسی» به این نتیجه رسیده‌اند که گفتمان غالب در اخبار اسپوتنیک فارسی «گفتمان دفاعی» است. به این معنا که اسپوتنیک جنگ اوکراین و روسیه را به

گونه‌ای بازنمایی کرده که امنیت روسیه در معرض تهدید قرار گرفته و روسیه برای تامین امنیت ملی و «دفاع از خود»، عملیات نظامی ویژه را آغاز کرد.

فریدونی و شریفی (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی تطبیقی بازتاب خبری جنگ روسیه و اوکراین در شبکه خبر جمهوری اسلامی ایران و بی‌بی‌سی فارسی» چنین نتیجه گرفته‌اند که از نظر فراوانی شبکه بی‌بی‌سی فارسی بیشتر از شبکه خبر به اخبار مربوط به روسیه و اوکراین پرداخته است و تفاوت معناداری در کارکرد اخبار در بین دو شبکه وجود دارد. به این معنا که بیشتر اخبار شبکه بی‌بی‌سی فارسی کارکرد تبلیغی و در مقابل بیشتر اخبار شبکه خبر کارکرد اطلاع‌رسانی دارند.

پژوهش «جنگ رسانه در بحران اوکراین» اثر امید و رشیدی (۱۳۹۶) به تحولات سیاسی اوکراین و کریمه (۲۰۱۳-۲۰۱۵) در شبکه‌های خبری راشاتودی و سی ان ان پرداخته است. یافته‌های این تحقیق آن است که شبکه سی ان ان تحولات کریمه و اوکراین را انقلاب دموکراتیک و مردمی دانسته و در مقابل شبکه خبری راشاتودی آن را شورش تحریک‌شده از سوی غرب بازنمایی کرده است.

تحقیقات داخلی هم عمدتاً بر روی چهارچوب‌های خبری، کارکردهای تبلیغی و اطلاع‌رسانی، تکنیک‌های رسانه‌ای روسیه و پوشش رسانه‌های فارسی‌زبان متمرکز هستند. در حالی که مقاله حاضر بر استراتژی‌های زبانی و معنایی شبکه الجزیره و ایجاد نظام دوقطبی همسو با سیاست خارجی قطر تمرکز دارد. بنابراین وجه اشتراک پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین کلیدواژه‌های بحران، اوکراین و رسانه است. اما یک تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین نمونه مورد بررسی (وبسایت الجزیره انگلیسی) است. تفاوت اصلی پژوهش حاضر با پژوهش‌های بررسی شده نیز برجسته بودن بحث بررسی رابطه گفتمان بازنمایی رسانه‌ای وبسایت الجزیره انگلیسی و سیاست خارجی کشور قطر است؛ کشوری ذره‌ای که با ابزار رسانه نقشی بزرگ در سیاست‌های منطقه‌ای ایفا می‌کند. بنابراین مقاله حاضر از این جهت با پژوهش‌های خارجی و داخلی متفاوت است که بر روی استراتژی‌های زبانی و معنایی شبکه الجزیره تمرکز دارد و در صدد نشان دهد که این شبکه با ایجاد یک نظام دوقطبی، همسو با سیاست خارجی قطر عمل می‌کند. در حالی که بیشتر پژوهش‌های داخلی و خارجی بر روی بازنمایی یک طرف

درگیری، تفاوت‌های دستور کار رسانه‌ها، یا کارکردهای تبلیغی و اطلاع‌رسانی و یا بررسی احساسات مخاطبان متمرکز شده‌اند.

چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر مفاهیم نظریه بازنمایی و نظریه‌های برجسته‌سازی و چهارچوب‌بندی است. این سه نظریه از این نظر که متن را نیت‌مند می‌دانند دارای جاذبه معنایی هستند. نظریه بازنمایی ارتباط نزدیکی بین زبان، رسانه و گفتمان می‌بیند. بر اساس این نظریه، رسانه‌ها از طریق زبان، گفتمان و بازنمایی، جهان را برای مخاطبان خود شکل می‌دهند. گفتمان‌ها از طریق بازنمایی‌هایی یا همان بهره‌گیری از زبان، جهان را می‌سازند و بازسازی می‌کنند (Cassey, 2002: 200) موسکویچی، که مفهوم «بازنمایی اجتماعی» را توسعه داد، نشان می‌دهد که چگونه یک روایت و نظریه علمی یا سیاسی در یک فرهنگ منتشر می‌شود و چگونه در طی فرایندی، بینش افراد از خود و جهانی که در آن زندگی می‌کنند را تغییر می‌دهد. از منظر او، بازنمایی‌های اجتماعی به محتوای تفکر روزمره و مجموعه‌ای از ایده‌هایی مربوط می‌شود که به باورهای مذهبی، ایده‌های سیاسی و ارتباطاتی که به طور خودجوش ایجاد می‌کنیم، انسجام می‌بخشد (Moscovici, 1988: 214).

با چنین نگاهی، بازنمایی برداشتی از واقعیت است که توسط افراد و سوژه‌های اجتماعی بر اساس ذهنیت‌های مختلف به شیوه‌های گوناگون تفسیر می‌شود؛ از این رو واقعیت مطلق هیچ‌گاه قابل انتقال به دیگران نیست. واقعیت به فرد، متن، رسانه و همچنین به بازتعریف، بازگویی و بازنمایی وابسته است که برداشت خواننده و بیننده از امر واقعی و باورهای ذهنی او در آن دخالت دارند. روایت‌کننده در این راستا، بر اساس ذهنیت خود نسبت به واقعیت، در قالب محصولات مختلف زبانی و متن، تنها بخشی از آن را انتخاب و کدگذاری کرده و برای مخاطب خود بازتعریف می‌کند. در این میان، نظریه چهارچوب‌بندی به‌عنوان مکمل نظریه بازنمایی، نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌ها با انتخاب برخی عناصر از واقعیت و حذف یا کمرنگ‌سازی عناصر دیگر، به یک رویداد معنا می‌بخشند و

آن را در چهارچوب خاصی قرار می‌دهند. از چنین نگاهی، زبان متغیر واسط بازنمایی و چهارچوب سازی است. به عبارت دیگر، واقعیت خارج از زبان وجود دارد، اما به طور مداوم توسط زبان و از طریق زبان واسطه‌گری می‌شود (Hall, 1980: 131).

بنابراین، پیوند تنگاتنگی بین بازنمایی، زبان و رسانه وجود دارد. زبان در این دیدگاه صرفاً یک رسانه خنثی نیست، بلکه سازه‌ای پویا است که توسط هنجارها، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های جامعه شکل می‌گیرد و به نوبه خود آن‌ها را چهارچوب‌بندی می‌کند. (Tahir et al., 2021; Wardhaugh & Fuller, 2015) آنچه از اهمیت بسیاری برخوردار است این است که گفتمان حاکم بر یک رسانه از طریق کاربرد زبان، نحوه بازنمایی یک رویداد را تعیین می‌کند. مهم‌تر از آن، این است که آنچه به گفتمان یک رسانه شکل می‌دهد، ایدئولوژی صاحبان و گردانندگان آن رسانه است. به بیان دیگر رسانه‌ها از استراتژی‌های برجسته‌سازی بهره می‌گیرند. برجسته‌سازی به فرآیندی اشاره دارد که در آن رسانه‌ها با تمرکز مکرر بر برخی موضوعات یا ویژگی‌ها، ذهن مخاطب را برای تفسیر و داوری درباره سایر مسائل در همان چهارچوب آماده می‌سازند. این امر، هم‌راستا با کارکرد نظریه بازنمایی، موجب شکل‌گیری نگرش خاصی نسبت به رویدادها و کنشگران اجتماعی در ذهن مخاطب می‌شود.

رسانه‌ها معمولاً با بهره‌گیری از زبان، ضمن برجسته‌سازی یا در مقابل به حاشیه رانی، در مورد سوژه‌های بازنمایی‌شونده کلیشه‌سازی می‌کنند، طبیعی‌سازی می‌کنند و متن را برای تولید معنای مد نظر خود هدایت می‌کنند. بنابراین، بازنمایی‌ها، برجسته‌سازی‌ها و چهارچوب‌بندی‌ها تفاوت‌ها را کاهش می‌دهد، ضروری‌سازی می‌کند، طبیعی‌سازی و تثبیت می‌کند. (Hall, Nixon, Evans, 2024: 258) بنابراین در دنیای کنونی، بازنمایی با رسانه گره خورده و رسانه حوزه کلیدی استفاده از زبان در عرصه عمومی است (Talbot, 2007: 5) و می‌تواند به واسطه نحوه استفاده از زبان، واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی را خلق کند و به برداشت‌های افراد از دنیای پیرامونشان هستی بخشد. زبان رسانه‌ها می‌تواند ضمن آشکار و قابل مشاهده ساختن انواع خاصی از باورها و شکل دادن به رفتارها، سایر ایده‌ها و باورها را حذف کند.

رسانه‌ها برای صورت‌بندی فهم مخاطب از جهان پیرامونی، چهارچوب‌سازی یا چهارچوب‌دهی به واقعیت‌ها، موضوع‌ها و رویدادها از زبان استفاده می‌کنند. بنابراین، آنچه ما واقعیت می‌نامیم، خارج از فرایند بازنمایی یا همان نحوه بهره‌گیری از زبان نیست. البته این به آن معنا نیست که هیچ جهان مادی و واقعی وجود ندارد، بلکه به جهان مادی واقعی باید معنایی داده شود. استوارت هال در این مورد بیان می‌کند که هیچ‌چیز معناداری خارج از گفتمان وجود ندارد و مطالعات رسانه‌ای وظیفه‌اش سنجش شکاف میان واقعیت و بازنمایی نیست، بلکه تلاش برای شناخت این مهم است که معانی به چه نحوی از طریق رویه‌ها و صورت‌بندی‌های گفتمانی تولید می‌شود.

بنابراین، در متون رسانه‌ای، زبان به‌عنوان ابزار ارتباطی، گفتمان به‌عنوان چهارچوب فکری، و بازنمایی به‌عنوان شیوه ارائه واقعیت، به‌طور هماهنگ عمل می‌کنند. تحلیل این موارد در یک متن رسانه‌ای می‌تواند به ما نشان دهد که چگونه معناها تولید، تغییر و تثبیت می‌شوند و چه ایدئولوژی‌هایی در پس آن‌ها نهفته است. با بهره‌آزادانه از این منظومه مفاهیم می‌توان گفت زبان متن رسانه‌ای وبسایت الجزیره انگلیسی آراسته به گفتمانی است که به اشکال مختلف تلاش می‌کند خود را بر سپهر معنایی جامعه هژمون کند و روایت‌ها و نظام‌های معنای رقیب را طرد کند و به حاشیه براند.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش انتقادی تحلیل گفتمان برای تحلیل متن‌های رسانه‌ای انتخاب شده استفاده شده است. تحلیل گفتمان انتقادی یکی از روش‌های تحلیلی است که برای بررسی متن‌های رسانه‌ای کارایی دارد. به گفته ون‌دایک امروزه، تحلیل انتقادی گفتمان رسانه‌ها جایگاه مرکزی در تحلیل گفتمان انتقادی دارد (van Dijk, 2015:477). رویکرد ون‌دایک که یکی از الگوهای تحلیل انتقادی گفتمان است، مبنای تحلیل‌های این پژوهش قرار گرفته است. بخش مهمی از رویکرد ون‌دایک که در این پژوهش به کار می‌آید، دیدگاه او درباره زبان و ایدئولوژی است. از نظر او، گفتمان‌ها به واسطه زبان، نظام معنایی یا همان ایدئولوژی خود را منتقل می‌کنند. به همین دلیل، در نظریه گفتمانی ون‌دایک، تحلیل و استخراج مقوله‌های

ایدئولوژیک در گفتمان محور اصلی تحلیل است. بر اساس دستورکار ون دایک برای تحلیل متن رسانه‌ای، ابتدا باید ساختارها و راهبردهای کلان ایدئولوژیک تحلیل شود. از نظر او، بدیهی‌ترین مورد، محتوای نظام معنایی کلان گفتمان است. راهبرد کلی ساختاری در بیشتر گفتمان‌های ایدئولوژیک، بسیار عام است و ون دایک آن را «مربع ایدئولوژیک» می‌نامد. این راهبرد شامل یک جدول دو در دو است. بخش اول آن «تأکید» است که براساس آن، باید «نکات مثبت ما را بگویید» و «نکات منفی آنها را بگویید». بخش دوم که «تأکیدزدایی» نام دارد نیز شامل دو بخش است: «نکات منفی ما را نگویید» و «نکات مثبت آنها را نگویید». این چهار احتمال، یک مربع مفهومی را شکل می‌دهد که ون دایک آن را «مربع ایدئولوژیک» می‌نامد. مربع ایدئولوژیک به‌وضوح نقشی در «راهبرد کلی حفظ وجهه و ارائه مثبت از خود و پیامدهای آن برای گروه دیگر یعنی ارائه منفی آنها» ایفا می‌کند. (van Dijk, 1998:267) ون دایک معتقد است این استراتژی‌های کلان معنایی در سطح خرد زبانی و ساختار زیرین متن نیز استفاده می‌شوند. از این رو، او برخی از مقوله‌های تحلیل ایدئولوژیک یا راهبردهای گفتمانی ایدئولوژیک را فهرست می‌کند که در متن برای دستکاری مخاطب و دستیابی به اهداف سیاسی به کار می‌روند. بنابراین، بر اساس الگوی تحلیل گفتمان ون دایک، باید هم ساختارهای ایدئولوژیک یا همان نظام معنایی کلان گفتمان و هم مقوله‌های سطح خرد تحلیل شوند. به عبارت دیگر، سطح خرد یک گفتمان، یعنی سطح جملات و واژگان نیز باید به دقت بررسی شود تا نحوه عمل گفتمان کشف گردد. در نتیجه، تحلیل گفتمان توجه دقیقی به عناصر زبانی دارد و فراتر از معنای تحت‌اللفظی کلمات می‌رود (Jwa, 2020; Kayzouri et al., 2020; 1997; Tseng et al., 2019; Wooffitt, 2011).

استدلال، صنایع بیانی، سبک واژگان، داستان‌پردازی، تأکید ساختاری، نقل‌قول و... از جمله استراتژی‌هایی است که در گفتمان‌ها و متن‌های مختلف به کار گرفته می‌شوند تا نظام معنایی مورد نظر گفتمان منتشر شود. در تحلیل گفتمان باید این استراتژی‌ها و نحوه کمک آنها به سلطه یک نظام معنایی بر متن بررسی شود. با استفاده از این رویکرد تحلیلی، در این مقاله نشان داده می‌شود که گفتمان سیاست خارجی قطر چگونه از طریق زبان خبری وبسایت الجزیره انگلیسی بازتولید و منتشر می‌شود.

داده‌های این پژوهش از پایگاه خبری الجزیره انگلیسی استخراج شده است. الجزیره انگلیسی، محور تولید و انتشار اخبار شبکه الجزیره برای مخاطبان در گستره جهان انگلیسی‌زبان است و برای تحلیل در سطح مخاطبان غیر عرب نمونه بهتری است. به همین دلیل نیز برای پژوهش انتخاب شده است. نمونه‌های انتخاب شده از این پایگاه تیتراژهای اخبار منتشر شده در فاصله فوریه ۲۰۲۲ یعنی از شروع جنگ روسیه و اوکراین تا آگوست ۲۰۲۴ را دربرمی‌گیرد که مربوط به جنگ روسیه و اوکراین بوده است. برای انتخاب نمونه‌های مورد بررسی استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند انتخاب استفاده شده است. این روش نمونه‌گیری در مطالعات انتقادی کیفی رایج‌ترین نوع نمونه‌گیری با هدف دستیابی به درکی عمیق از پدیده مورد مطالعه است (Chava and Nichmias, 2000).

یافته‌های پژوهش

در ادامه، گزاره‌های انتخاب شده مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. جهت‌گیری سایت الجزیره براساس مقولات مورداستفاده و ندادیک بررسی شده و هر کدام از مقولات در قالب یک جدول ارائه و تحلیل شده است.

نظام کلان معنایی

به نظر و ندادیک، رسانه‌ها در مقابل پدیده‌ها نوعی جهت‌گیری کلی دارند که وی نام آن را نظام معنایی کلان می‌گذارد. چهارچوب‌بندی‌های معنایی‌ای که درون این نظام کلان شکل می‌گیرند، تعیین می‌کنند که کدام عناصر واقعیت برجسته شده و کدام نادیده گرفته شوند تا معنا در راستای ایدئولوژی حاکم صورت‌بندی گردد. از نظر نظام کلان معنایی، ایدئولوژی کلی سایت الجزیره تحت تأثیر سیاست خارجی کشور قطر است. قطر به‌عنوان یک کشور ذره‌ای، ایدئولوژی پایداری ندارد و تمایل به برقراری ائتلاف‌های موقت و یا طولانی‌مدت دارد. از سوی دیگر، این کشور سعی دارد روابط نزدیکی با قدرتهای مختلف داشته باشد. بررسی اخبار این سایت نشان می‌دهد ایدئولوژی الجزیره نیز در همین راستاست. گزاره‌هایی که انتخاب شده، بیانگر این هستند که نوعی مقوله‌بندی در این متون دیده می‌شود که با بهره‌گیری از فنون برجسته‌سازی، برخی مؤلفه‌ها پررنگ شده و برخی دیگر به حاشیه رانده می‌شوند.

الجزیره، دست به شکل‌دهی دو مقوله می‌زند که در یکی از این مقولات روسیه قرار می‌گیرد و در مقوله دیگر اوکراین و سایر نقاط جهان. قطر خود را به قطب اوکراین و کشورهای غربی نزدیک می‌داند، اما با این حال نگاهی سراسر منفی نیز نسبت به روسیه ندارد. در واقع با وجود اینکه روسیه، «دیگری» است، اما یک دیگری سراسر منفی نیست. این نوع صورت‌بندی، چهارچوبی را ایجاد می‌کند که در آن برداشت مخاطب از دو سوی درگیری به نحوی هدایت می‌شود که با منافع ایدئولوژیک منبع رسانه‌ای همسویی داشته باشد.

در مقابل، اوکراین به عنوان «ما» بازنمایی می‌شود. اما انتقاداتی که نسبت به روسیه ابراز می‌شود، اغلب به خود متحدان روسیه نسبت داده می‌شود تا تخاصم شدیدی بین الجزیره و روسیه به ذهن متبادر نشود. به هر حال روسیه دیگری و اوکراین خودی الجزیره است. نقش روسیه در این جنگ به‌عنوان متجاوز و شروع‌کننده جنگ بازنمایی می‌شود؛ گویی عامل اصلی این جنگ روسیه است. توضیحات مربوط به ویژگی‌های منفی روسیه و به‌ویژه پوتین، با تفصیل و جزئیات زیاد نوشته شده است. اغلب اخبار این جنگ که به روسیه اختصاص دارد، متمرکز بر روحیه جنگ‌طلبی پوتین و نقش غیرصلح‌آمیز و خشونت‌گرای این کشور است. در مقابل، تأکیدی بر سایر ویژگی‌های این کشور نشده است. این برجسته‌سازی هدفمند، از طریق حذف یا کم‌رنگ‌سازی عناصر مثبت، چهارچوبی معنایی را تحمیل می‌کند که در آن داوری مخاطب به‌صورت پیشینی در مسیر خاصی هدایت می‌شود. اوکراین دقیقاً برعکس روسیه بازنمایی شده است. اوکراین در این اخبار، به عنوان کشوری مظلوم که مورد حمله قرار گرفته بازنمایی شده؛ ویژگی‌های منفی این کشور و نقش آن در جنگ به صورت گفته‌نشده و در مقابل، بر خصایص مثبت آن کشور تأکید شده است. این همان مربع ایدئولوژیک است که ون‌دایک بر آن تأکید می‌کند. در این میان، الجزیره طوری وانمود می‌کند که سایر کشورهای جهان که طرفدار صلح هستند، از اوکراین حمایت می‌کنند و با این نوع استدلال، از ایدئولوژی خود که حمایت از اوکراین است دفاع می‌کند. این استدلال، از طریق چهارچوب‌بندی‌های خاص و برجسته‌سازی گزینشی، به نحوی صورت‌بندی می‌شود که مخاطب احساس کند موضع الجزیره نه فقط مشروع بلکه بازتاب‌دهنده اجماع جهانی است.

تمهیدات زبانی

الجزیره برای بیان این ایدئولوژی کلان خود از مقولات سطح خرد زبانی مختلفی استفاده می‌کند. بر اساس نظر ون‌دایک، برای شناخت گفتمان، باید ساختارهای خرد آن را بررسی کرد. واژه‌گزینی، استعاره، تشبیه، مقایسه، معانی ضمنی و تلویحی، به‌نمایی، استدلال و استناد و گواه‌نمایی پراستفاده‌ترین مقولاتی هستند که در بازنمایی اخبار روسیه و اوکراین در سایت الجزیره به‌کار گرفته شده‌اند.

واژه‌گزینی

بر اساس روش ون‌دایک، واژه‌ها بار معنایی دارند و هیچ واژه‌ای خنثی نیست. از این منظر، رسانه‌ها از طریق برجسته‌سازی گزینشی و چهارچوب‌بندی مفهومی، واقعیت را به شیوه‌ای خاص به مخاطب عرضه می‌کنند. بر همین اساس، هفت گزاره در بازه‌های زمانی مختلف در سایت الجزیره انتخاب شده که تحلیل آن‌ها نشان از ایدئولوژی این سایت در قبال جنگ روسیه و اوکراین دارد. در گزاره شماره یک که در جدول زیر آمده، سایت الجزیره با انتقاد از روسیه بیان می‌کند: «روسیه آمریکا را به جنگ نیابتی در اوکراین متهم می‌کند.» در این گزاره با استفاده از اصطلاح «جنگ نیابتی»، روسیه در چهارچوبی قرار می‌گیرد که آن را متهم به فرافکنی و دروغ‌پردازی می‌کند و همزمان، چهره مثبتی از آمریکا نمایش داده می‌شود. این واژه‌گزینی هدفمند موجب برجسته‌سازی گفتمان ضدروسی می‌شود. در گزاره شماره دو، زلنسکی به عنوان قهرمان جنگ بازنمایی شده است. از سوی دیگر، استفاده از اصطلاح استقبال، نشان می‌دهد آمریکا از اوکراین حمایت می‌کند و در ادامه، بایدن رئیس‌جمهور آمریکا همتای زلنسکی معرفی شده و هر دو در یک سطح از قدرت سیاسی بازنمایی شده‌اند. این ساختار، چهارچوبی از اتحاد برابر بین آمریکا و اوکراین می‌سازد که در آن زلنسکی از مشروعیت و قدرت مشابهی برخوردار است. در گزاره شماره سه، از رئیس‌ارتش اوکراین با عنوان قصاب یاد می‌کند و احتمال می‌دهد که با انتصاب فردی خشن امکان شکست روسیه وجود می‌دارد. بنابراین در این جا و با توجه به گزاره‌های قبلی و ایدئولوژی حاکم بر رسانه الجزیره، واژه قصاب نه در معنای منفی، بلکه معنایی مثبت دارد و سایت الجزیره با استفاده از این واژه، زلنسکی را فردی قدرتمند در مقابل روسیه معرفی می‌کند که از توانایی

شکست برخوردار است. این تغییر بار معنایی، نمونه‌ای از بازتخصیص ایدئولوژیک واژه‌ها است.

این سایت در گزینش واژه‌ها دقت بسیاری دارد؛ به طوری که با استفاده از واژه‌های «جنایت جنگی» و «تخریب» روسیه را با اتهام پنهان کردن جنایت جنگی در تخریب تئاتر اوکراین، مورد انتقاد قرار می‌دهد. به علاوه، روسیه در این گزاره، «پنهان‌کار» نیز معرفی شده است. با این تکنیک، الجزیره از طریق برجسته‌سازی ویژگی‌های منفی، تصویری غیرانسانی و مجرم‌گونه از روسیه می‌سازد.

در ادامه و در گزاره شماره پنج، با استفاده از واژه «باج‌گیری» از زبان زلنسکی، روسیه را متهم می‌کند. واژه باج‌گیر با واژه‌هایی همچون «دزد»، «راه‌زن» و «سرگردنه‌گیر» هم‌خانواده است. استفاده از این اصطلاح، برای تشخیص‌زدایی از دولت استفاده می‌شود، این واژه در فرهنگ واژگان معین برای کسی کاربرد دارد که به سبب زور و نفوذ خود عملی را انجام می‌دهد. اینجا چهارچوبی از روسیه به عنوان «غیرعقلانی و تبهکار» شکل می‌گیرد.

در قطعه شماره شش، از اصطلاح «انتخابات غیرآزاد» استفاده می‌کند و بیان می‌کند در انتخاباتی که پوتین برنده شده، آزادی و عدالت وجود نداشته است. جالب اینجاست که در این گزاره نخست از این جمله استفاده می‌کند که «اگرچه محبوبیت پوتین در میان اکثر روس‌ها مورد تردید نیست»، اما بلافاصله با استفاده از واژه «ولی» جمله‌ای بیان می‌کند که این جمله قبلی را نقض می‌کند و بلافاصله می‌گوید «ناظران و تحلیلگران می‌گویند که انتخابات اخیر به‌دوراز آزادی و عادلانه بود». بنابراین به همین راحتی جمله پیشین را زیر سؤال می‌برد. در این گزاره، الجزیره، ادعای خود را به «تحلیل‌گران و ناظران» منتسب می‌کند تا خود از بیان این ادعا شانه خالی کند. این شیوه نسبت‌دهی استراتژیک، چهارچوبی از بی‌طرفی ظاهری ایجاد می‌کند.

نکته جالب‌تر اینجاست که در ادامه و در گزاره هفت، از اصطلاح «جعل رکورد» استفاده می‌کند و رکورد میزان آرای پوتین را جعلی می‌خواند. اما باز هم این اصطلاح را نه از زبان خود، بلکه به منتقدان کرم‌لین نسبت می‌دهد. بنابراین سایت الجزیره با استفاده از یک نوع واژه‌گزینی خاص که حاکی از طرفداری از

اوکراین است به نقد عملکرد روسیه می‌پردازد. تمام این واژه‌ها بار منفی نسبت به روسیه و بار مثبت نسبت به اوکراین را به مخاطب القا می‌کند. این سبک از بازنمایی، همان‌طور که ون‌دایک بیان می‌کند، ایدئولوژیک است.

جدول ۱- مقوله واژه‌گزینی

ردیف	گزاره‌ها
۱	روسیه ایالات متحده را به جنگ نیابتی در اوکراین متهم می‌کند (۲۲ دسامبر ۲۰۲۲، الجزیره).
۲	زلنسکی در سفر سریع خود به واشنگتن در روز چهارشنبه با استقبال قهرمانانه‌ای روبرو شد، در حالی که جو بایدن، همتای آمریکایی او، متعهد شد که ۱/۸ میلیارد دلار تجهیزات نظامی، از جمله سامانه دفاع موشکی پاتریوت که بسیار مورد توجه است، در اختیار کی‌یف قرار دهد (۲۲ دسامبر ۲۰۲۲).
۳	فرمانده جدید ارتش اوکراین به عنوان «قصاب» شناخته می‌شود. آیا او می‌تواند روسیه را شکست دهد؟ (۱۳ فوریه ۲۰۲۴).
۴	روسیه به پنهان‌کاری جنابایت جنگی از طریق تخریب تئاتر اوکراین متهم شد (۲۰ مارس ۲۰۲۴).
۵	زلنسکی روسیه را به «باج‌گیری هسته‌ای» در زاپوریژیا متهم کرد (۲۲ دسامبر ۲۰۲۲).
۶	اگرچه محبوبیت پوتین در میان بیشتر روس‌ها مورد تردید نیست، ناظران و تحلیل‌گران می‌گویند که انتخابات اخیر به هیچ وجه آزاد و عادلانه نبود. (۴ فوریه ۲۰۲۲).
۷	«جعل اسناد»: منتقدان کرملین پیروزی پوتین در انتخابات روسیه را محکوم کردند (۲۰ مارس ۲۰۲۴).

تمهیدات بلاغی؛ کنایه و استعاره

براساس روش ون‌دایک، رسانه‌ها از فنون بلاغی برای بازنمایی ایدئولوژی خود استفاده می‌کنند. در چهارچوب نظریه‌های برجسته‌سازی و چهارچوب‌بندی، این فنون نقشی اساسی در هدایت ادراک مخاطب دارند. مهم‌ترین تمهیدات بلاغی سایت الجزیره، «استعاره» و «کنایه» هستند که به بازنمایی گزینشی واقعیت کمک می‌کنند. الجزیره در یکی از خبرهای خود از «قمار پوتین» نام می‌برد که بار کنایه‌ای دارد. این واژه چهارچوبی غیرعقلانی برای تصمیمات روسیه می‌سازد. بر این اساس، القا می‌کند که جنگ روسیه حرکتی نسنجیده و مخاطره‌آمیز بوده است. استفاده

از واژه «قمار» مخاطب را به درکی منفی از منطق رفتاری روسیه هدایت می‌کند. اصطلاح «زمستان سرد و خطرناک: هدیه روسیه به اوکراین»، استعاری است و کمبود انرژی را برجسته می‌سازد. واژه «هدیه» نیز کنایه‌ای است که نقش روسیه را در ایجاد بحران نشان می‌دهد. این چهارچوب، روسیه را منبع تهدید بازنمایی می‌کند. عبارت «عصر یخبندان» روابط روسیه و آمریکا را سرد جلوه می‌دهد و اصطلاح «مرد فراموش‌شده» نشان می‌دهد اوکراین دیگر حمایت پیشین را ندارد. در نهایت، گزاره «وقتی قیمت نفت بالا می‌رود، پوتین جسورتر می‌شود» کنایه‌ای انتقادی است که چهارچوبی فرصت‌طلبانه برای پوتین ترسیم می‌کند. اینها مصادیق بازنمایی ایدئولوژیک‌اند.

جدول ۲- تمهیدات بلاغی؛ کنایه و استعاره

ردیف	گزاره‌ها
۱	آیا ریسک پوتین در مورد اوکراین منطقی است؟ (۱۶ آوریل ۲۰۲۴)
۲	زمستانی سرد و خطرناک: هدیه روسیه به اوکراین (۱۵ آوریل ۲۰۲۴)
۳	به‌روزرسانی‌های روسیه و اوکراین: سفیر روسیه به آمریکا می‌گوید روابط در «عصر یخبندان» است (۱۶ آوریل ۲۰۲۴)
۴	ولادیمیر زلنسکی: مرد فراموش‌شده (۱۵ فوریه ۲۰۲۲)
۵	بحران روسیه و اوکراین: وقتی قیمت نفت افزایش می‌یابد، پوتین جسورتر می‌شود. نوشته مایکل موران (۴ فوریه ۲۰۲۲)

معانی ضمنی و تلویحی

یکی دیگر از مؤلفه‌های تحلیلی در الگوی ون‌دایک، «معانی ضمنی و تلویحی» است. این بدان معنی است که ایده‌ها همواره آشکار بیان نمی‌شوند و بخشی از جهت‌گیری‌های رسانه‌ای از خلال مضامین پنهان و ساختار انسجامی متن آشکار می‌شود. در چهارچوب نظریه‌های برجسته‌سازی و چهارچوب‌بندی، رسانه با گزینش‌های خاص زبانی، مفاهیم مدنظر خود را به شکلی تلویحی برجسته می‌سازد. در گزاره «پوتین به تنهایی می‌جنگد»، ضمن ترسیم پوتین به‌عنوان

آغازگر جنگ، او را در جایگاه کنشگر منزوی قرار می‌دهد. تلویحاً القا می‌شود که جهان با او همراه نیست و اوکراین از حمایت جهانی برخوردار است. این گزاره نه تنها چهارچوب جنگ‌طلبی را حول پوتین شکل می‌دهد، بلکه حمایت‌ناپذیری او را نیز برجسته می‌سازد. همچنین در ادامه، با عبارت «حامیان روسیه مشتاق حمایت از جنگ اوکراین نیستند» و توصیف جنگ به عنوان «جنگ وحشیانه»، این پیام ضمنی تقویت می‌شود که حتی نزدیکان روسیه نیز با آن همدل نیستند. در گزاره «با خروج روسیه از قرارداد غلات، کدام کشورها تحت تأثیر قرار خواهند گرفت؟»، با یک پرسش تلویحاً عاملیت روسیه در بحران غذایی برجسته می‌شود. در گزاره «زنسکی با اشاره به خطرات پیروزی ایالات‌متحده بر آلمان نازی در نبرد کلیدی جنگ جهانی دوم، همچنین گفت که در تلاش برای پایان دادن به جنگ روسیه علیه کشورش «هیچ سازشی» وجود ندارد»، با یادآوری نقش آمریکا در جنگ جهانی دوم، چهارچوبی برای بازنمایی امید به حمایت مجدد ایالات‌متحده از اوکراین ترسیم می‌شود.

در گزاره «پیروزی اوکراین بر روسیه پیروزی آمریکا نیز خواهد بود»، اتحاد راهبردی میان این دو کشور به‌طور ضمنی تثبیت می‌شود و با برجسته‌سازی این پیوند، الجزیره نیز خود را در همین قطب جای می‌دهد. در گزاره «جهان به پوتین اجازه استفاده از سلاح هسته‌ای را نخواهد داد»، جهان در کنار اوکراین بازنمایی شده و با چهارچوبی قطبی‌شده، روسیه در مقابل جامعه بین‌المللی قرار می‌گیرد. در گزاره دیگر، طولانی شدن جنگ و اختلاف حامیان اوکراین، الفاکنده عادی‌سازی جنگ و کاهش حمایت‌هاست؛ این گزاره با برجسته‌سازی عدم توجه فعلی، به‌طور ضمنی بر ضرورت بازسازی حمایت جهانی تأکید دارد. همچنین، گزاره «انتخابات روسیه با تریک و محکومیت همراه است» چهارچوبی مبهم و انتقادی نسبت به مشروعیت انتخابات ارائه می‌دهد.

در مجموع، گزاره‌ها با بهره‌گیری از عناصر تلویحی، چهارچوبی منفی برای روسیه و چهارچوبی حمایتی برای اوکراین ترسیم می‌کنند که مؤید جهت‌گیری ایدئولوژیک الجزیره در سطحی ضمنی و غیرمستقیم است.

جدول ۳- مقوله معانی ضمنی و تلویحی

ردیف	گزاره‌ها
۱	یونین تنها در حال جنگ است (۱۶ آوریل ۲۰۲۴).
۲	به نظر می‌رسد کسانی که رئیس‌جمهور روسیه ممکن است به عنوان متحدان خود ببیند، تمایلی به حمایت از جنگ وحشیانه‌اش در اوکراین ندارند (۱۲ ژوئیه ۲۰۲۳).
۳	با خروج روسیه از توافق غلات؛ کدام کشورها تحت‌تأثیر قرار خواهند گرفت؟ (۱۷ ژوئیه ۲۰۲۳).
۴	زلنسکی با یادآوری خاطرات پیروزی ایالات متحده بر آلمان نازی در یک نبرد کلیدی جنگ جهانی دوم، گفت که در تلاش برای پایان دادن به جنگ روسیه علیه کشورش «هیچ سازشی وجود ندارد» (۲۲ دسامبر ۲۰۲۲).
۵	زلنسکی در یک توئیت گفت که پیروزی اوکراین بر روسیه «پیروزی آمریکا نیز خواهد بود» (۲۲ دسامبر ۲۰۲۲).
۶	زلنسکی: جهان اجازه نخواهد داد پوتین از سلاح‌های هسته‌ای استفاده کند (۱۵ مارس ۲۰۲۴).
۷	با نزدیک شدن به دومین سالگرد تهاجم روسیه، به نظر می‌رسد جهان علاقه خود را به اوکراین و رئیس‌جمهور آن از دست داده است (۱۶ آوریل ۲۰۲۴).
۸	انتخابات روسیه با تریک و محکومیت مواجه شد (۱۸ مارس ۲۰۲۴).

حسن تعبیر

کاربرد واژه‌های خوشایند به جای واژه‌ای که دارای معانی ضمنی ناخوشایندی است را «حسن تعبیر» یا «به‌نمایی» می‌گویند. این تکنیک زبانی یکی از ابزارهای کلیدی چهارچوب‌بندی در رسانه‌هاست که با آن، واقعیت به شیوه‌ای دلخواه بازنمایی می‌شود. در یکی از گزاره‌هایی که از سایت الجزیره نقل شده، از زبان زلنسکی بیان می‌شود که حمایت ایالات متحده از اوکراین نوعی «سرمایه‌گذاری» است. در حالی که این حمایت، در اصل پشتیبانی نظامی است، چهارچوب «سرمایه‌گذاری» به جای «جنگ»، تصویری مثبت و آینده‌نگرانه از نقش آمریکا ارائه می‌دهد. در مقابل نیز واژه «خیریه» به‌عنوان گزینه‌ای ناپسند برای تحقیر این کمک کنار گذاشته شده است. این بازنمایی نشان‌دهنده برجسته‌سازی ابعاد مشروع و عقلانی از این حمایت است. الجزیره در گزاره‌ای دیگر، جنگ اوکراین و دفاع مردم را

بازنمایی جنگ روسیه و اوکراین در وبسایت خبری الجزیره انگلیسی

با اصطلاح «احساس اتحاد» توصیف می‌کند. این واژه‌گزینی، چهارچوبی احساسی و انسانی برای مقاومت اوکراین ایجاد می‌کند. در این چهارچوب، اوکراینی‌ها قربانی و روسیه مهاجم معرفی می‌شود. در حالی‌که زلنسکی پیش‌تر به عنوان یک کم‌دین بازنمایی می‌شد، الجزیره با بهره‌گیری از استراتژی به‌نمایی، او را «نماد مقاومت ملی» می‌نامد. این تغییر چهارچوب، موقعیت زلنسکی را از سرگرم‌کننده به قهرمان ملی ارتقاء می‌دهد. اما این رسانه، برعکس، برای بازنمایی روسیه از چهارچوب‌هایی منفی بهره می‌گیرد. حتی اقدامات صلح‌جویانه پوتین نیز با واژه‌گزینی منفی بازنمایی می‌شود. در گزاره‌ای آمده: «ایالات متحده می‌گوید درخواست پوتین برای پایان دادن به جنگ در اوکراین غیرصادقانه است». این‌جا چهارچوب بی‌اعتمادی بر روایت حاکم است. ضمن آنکه با نسبت دادن این دآوری به آمریکا، الجزیره ضمن حفظ ظاهر بی‌طرفی، موضع خود را همسو با آمریکا برجسته می‌کند.

در مجموع، ترکیب واژه‌گزینی گزینشی، برجسته‌سازی معانی خاص، و چهارچوب‌بندی‌های ایدئولوژیک، نشان می‌دهد که الجزیره از طریق استراتژی به‌نمایی، تصویر مثبت از آمریکا و اوکراین، و تصویر منفی از روسیه ارائه می‌دهد.

جدول ۴- مقوله حسن تعبیر

ردیف	گزاره‌ها
۱	ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، در واشنگتن دی‌سی پیام مقاومت‌آمیزی در زمان جنگ ارائه کرد و از رهبران آمریکا و «مردم عادی آمریکا» برای حمایت از کشورش در مبارزه با روسیه تشکر کرد و به آنها یادآوری کرد که کمک‌های نظامی به اوکراین «صدقه» نیست، بلکه «سرمایه‌گذاری» در یک جهان دموکراتیک است (۲۲ دسامبر ۲۰۲۲).
۲	رئیس‌جمهور ولادیمیر زلنسکی از «احساس وحدت» اوکراینی‌ها در مواجهه با بمباران‌های روسیه تقدیر کرد (۹ دسامبر ۲۰۲۳).
۳	چگونه رئیس‌جمهور اوکراین که از کم‌دین به رهبر و نماد مقاومت ملی تبدیل شده است (۹ فوریه ۲۰۲۳).
۴	آمریکا می‌گوید درخواست پوتین برای پایان جنگ در اوکراین صادقانه نیست (۱ اکتبر ۲۰۲۳).

گواه‌نمایی

تولیدکنندگان گفتمان در برابر باورها و عقایدی که مطرح می‌کنند، مسئولیت دارند. برای تقویت گفتمان، رسانه‌ها از تکنیک‌های گواه‌نمایی بهره می‌برند که خود یکی از ابزارهای مهم چهارچوب‌بندی است. گواه‌نمایی می‌تواند مستقیم و مبتنی بر ادراک دیداری یا غیرمستقیم و مبتنی بر افعال حسی و شنیداری باشد. این راهبرد، یکی از روش‌های مؤثر در برجسته‌سازی منابع اطلاعاتی معتبر در چهارچوب رسانه‌ای خاص است. به‌علاوه، استفاده از ابزارهایی چون افعال مجهول، اسم‌سازی و نقل‌قول غیرمستقیم نیز کارکردی مشابه دارند و به برجسته‌سازی گفتمان مدنظر رسانه کمک می‌کنند. سایت الجزیره در یکی از گزاره‌های خود با بهره‌گیری از راهبرد گواه‌نمایی و واژه قاطع «غیرقابل بازگشت» می‌نویسد: اگر متحدان غربی از اوکراین حمایت کنند، شکست روسیه غیرقابل بازگشت خواهد بود. این گزاره، چهارچوبی قطعی از تأثیر حمایت غرب بر سرنوشت جنگ ترسیم می‌کند و از ادبیاتی استفاده می‌کند که در ذهن مخاطب، قطعیت شکست روسیه برجسته شود. در این‌جا با بزرگ‌نمایی پیامدها، مشروعیت اقدامات غرب تأکید می‌شود. در گزاره‌ای دیگر، الجزیره می‌گوید: حتی متحدان روسیه نیز از جنگ وحشیانه یوتین حمایت نمی‌کنند. استفاده از واژه «وحشیانه» چهارچوبی منفی از جنگ ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد که حتی نزدیک‌ترین بازیگران به روسیه نیز با آن همراه نیستند. در نمونه‌ای دیگر، الجزیره به نقل از سخنگوی کرملین، از انتقاد او به سفر زلنسکی به آمریکا و حمایت نظامی از کیف یاد می‌کند. این گزاره نشان می‌دهد حتی کرملین با آگاهی از حمایت‌ها، همچنان اصرار بر ادامه جنگ دارد و چهارچوب «پافشاری بر جنگ» را برجسته می‌کند. پدر نهایت، الجزیره به نقل از واشنگتن‌دی‌سی، ادعای حمله به کرملین را «مضحک» می‌خواند. این گزاره نیز با ابزار گواه‌نمایی و برجسته‌سازی، اعتبار ادعای روسیه را زیر سؤال می‌برد. در مجموع، الجزیره با استفاده از ساختارهای گواه‌نما و چهارچوب‌بندی واژگانی، تصویری منفی از روسیه و مثبت از حامیان اوکراین ارائه می‌دهد.

جدول ۵- مقوله گواه‌نمایی

ردیف	گزاره‌ها
۱	رهبر اوکراین گفت که کیف همیشه از برلین برای حمایتش در طول جنگ سیاست‌گزار خواهد بود و افزود که متحدان غربی اوکراین می‌توانند شکست روسیه را «غیرقابل بازگشت» کنند و این اتفاق ممکن است حتی امسال رخ دهد (۱۲ اکتبر ۲۰۲۳).
۲	به نظر می‌رسد کسانی که رئیس‌جمهور روسیه ممکن است به عنوان متحدان خود ببینند، تمایلی به حمایت از جنگ وحشیانه‌اش در اوکراین ندارند (۹ اکتبر ۲۰۲۳).
۳	سخنگوی کرملین از سفر زلنسکی به آمریکا و حمایت نظامی از کیف انتقاد کرد و گفت اهداف جنگی روسیه محقق خواهند شد (۱۳ اکتبر ۲۰۲۳).
۴	ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، دستور تقویت مرزهای روسیه را صادر کرده و به خدمات امنیتی دستور داده‌است تا کنترل بیشتری بر جامعه داشته باشند و «خائنان، جاسوسان و خرابکاران» را ریشه‌کن کنند. این خبر توسط خبرگزاری‌های این کشور گزارش شده‌است (۲۰ دسامبر ۲۰۲۲).
۵	ایالات متحده ادعای روسیه مبنی بر مسئولیت‌پذیری در حمله پهپادی به کرملین را «مسخره‌آمیز» خوانده‌است (۱۳ اکتبر ۲۰۲۳).

استناد، ارجاع و شیوه استدلال

از طریق ارجاعاتی که رسانه‌ها به منابع مختلف می‌دهند، می‌توان به ریشه‌های گفتمانی و ایدئولوژیک آن‌ها پی برد؛ آنچه در تحلیل گفتمان به «بینامتنیت» و «بیناگفتمانیت» تعبیر می‌شود. از منظر ون‌دایک، شیوه استدلال رسانه نیز نقش مهمی در تحلیل ساختار گفتمان دارد. این شیوه، هم در لایه واژگان و هم در لایه استنادی و ارجاعی نمود می‌یابد و در خدمت چهارچوب‌بندی گزاره‌ها و برجسته‌سازی دیدگاه مطلوب رسانه قرار می‌گیرد.

سایت الجزیره با در نظر گرفتن منافع سیاست خارجی قطر و تمایل به حفظ ارتباط با همه بازیگران بین‌المللی، در برخی موارد نیز به صورت ضمنی از روسیه حمایت می‌کند. در گزاره‌ای می‌نویسد: «نتایج اولیه نشان می‌دهد پوتین حدود ۸۷ درصد آرا را به دست آورده است که بالاترین نتیجه در تاریخ روسیه پس از شوروی است». این گزاره، مشروعیت‌بخشی به انتخابات روسیه را از طریق استناد

به داده‌های رسمی روسیه دنبال می‌کند. در اینجا، رسانه با اتکا به چهارچوب آماری و استفاده از ارقام، نوعی مشروعیت گفتمانی برای نتایج انتخابات تولید می‌کند. چنین استفاده‌ای از داده‌ها، یکی از اشکال استدلال تجربی و مبتنی بر منبع گواهی است که وندایک آن را نوعی از استدلال مقبول گفتمانی می‌داند.

در گزاره شماره دو، الجزیره با ارجاع به سخن روزولت که از زبان زلنسکی بیان می‌شود، از مشروعیت تاریخی حمایت آمریکا از اروپا دفاع کرده و آن را به حمایت امروزی از اوکراین پیوند می‌دهد. این استراتژی، نوعی بینامتنیت است که با استناد به منابع گفتمانی تاریخی، امروز را تفسیر می‌کند و چهارچوب حمایتی از اوکراین را در بستر یک روایت قهرمانانه قرار می‌دهد.

در گزاره‌ای دیگر نیز الجزیره با استناد به داده‌های عددی، از نوعی استدلال کمی بهره می‌برد: «اوکراین ارتش دائمی خود را ۳۰۰۰۰۰ نفر افزایش می‌دهد، زیرا ایالات متحده دچار مشکل می‌شود و اتحادیه اروپا ظرفیت دفاع از یک عضو آینده را ندارد.» در این‌جا، در حالی که رسانه به مشکلات حامیان اوکراین اشاره دارد، از طریق برجسته‌سازی عدد ۳۰۰ هزار، تلاش و توان داخلی اوکراین را برای دفاع از خود بازنمایی می‌کند. این شیوه، هم در خدمت تقویت گفتمان استقلال دفاعی اوکراین و هم در چهارچوب‌بندی توانمندی داخلی آن کشور عمل می‌کند. در مجموع، الجزیره با ارجاع به آمار، شخصیت‌ها و منابع تاریخی و رسمی، گفتمانی پیچیده و چندلایه تولید می‌کند که ضمن موازنه در مواضع، تلاش دارد از گسست در سیاست خارجی قطر جلوگیری کند.

جدول ۶- مقوله ارجاع، استناد و شیوه استدلال

ردیف	گزاره‌ها
۱	نتایج اولیه نشان می‌دهد که پوتین حدود ۸۷ درصد آرا را به دست آورده است که بالاترین نتیجه در تاریخ روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی محسوب می‌شود. (۱۷ مارس ۲۰۲۴)
۲	زلنسکی گفت: «همان‌طور که سربازان شجاع آمریکایی در کریسمس سال ۱۹۴۴ خطوط خود را حفظ کردند و در برابر نیروهای هیتلر مقاومت کردند، سربازان شجاع اوکراینی نیز در این کریسمس همین کار را در برابر نیروهای پوتین انجام می‌دهند.» (۲۲ دسامبر ۲۰۲۲)

ردیف	گزاره‌ها
۳	تحریم‌های غرب احتمالاً باعث افزایش قیمت نفت خواهد شد — که در نتیجه آن قیمت سوخت در پمپ‌های بنزین حتی بیشتر خواهد شد. (۲۲ دسامبر ۲۰۲۲)
۴	اوکراین در حال افزایش ارتش دائمی خود به میزان ۳۰۰ هزار نفر است، در حالی که ایالات متحده دچار لغزش شده و اتحادیه اروپا توانایی دفاع از یک عضو آینده را ندارد. (۱۶ آوریل ۲۰۲۴)

مقایسه

یکی از استراتژی‌های کلیدی در تحلیل گفتمان انتقادی از منظر ون‌دایک، «مقایسه» است؛ راهبردی مؤثر که از طریق آن رسانه‌ها مفاهیم ایدئولوژیک را به شکلی ضمنی و اقناعی به مخاطب منتقل می‌کنند. این شیوه در رسانه‌هایی مانند الجزیره، در قالب چهارچوب‌بندی تضادها و برجسته‌سازی تفاوت‌ها به‌کار می‌رود. در یکی از نمونه‌های گفتمانی، الجزیره جنگ روسیه و اوکراین را با منازعه اسرائیل و فلسطین مقایسه می‌کند. در این قیاس، همزمان با محکوم کردن اقدامات اسرائیل، این نکته را برجسته می‌سازد که چرا جامعه جهانی علیه روسیه موضع‌گیری کرده، اما در برابر ظلم به فلسطینیان سکوت اختیار کرده است. در اینجا چهارچوبی ایدئولوژیک بازنمایی می‌شود که بر مبنای آن، رسانه ضمن حمایت از موضع دو دولت، سیاست خارجی قطر را تقویت می‌کند و بر دوگانه‌سازی رفتار قدرت‌های غربی تأکید دارد. در گزاره‌ای دیگر، الجزیره رهبران غربی را در مسأله فلسطین به ریاکاری متهم می‌کند. این نمونه نیز نشان می‌دهد که رسانه از طریق مقایسه‌ی واکنش‌ها به دو بحران، تلاش دارد به نابرابری گفتمانی و جانبداری غربی‌ها از اوکراین اشاره کند. همچنین در مقایسه‌ای دیگر، الجزیره متحدان رئیس‌جمهور روسیه را با رهبران غربی حامی اوکراین مقایسه می‌کند و می‌نویسد که متحدان روسیه سریعاً تشویق می‌کنند، اما رهبران غربی نتایج را غیرقانونی می‌دانند. در این چهارچوب، رسانه تضاد رفتاری را برجسته می‌کند و مشروعیت انتخاب مجدد پوتین را به چالش می‌کشد. در گزاره‌ای دیگر نیز آمده است: «درحالی‌که کرم‌لین از هنرمندان طرفدار جنگ حمایت می‌کند، سرکوب مخالفان روسیه باعث خروج هنرمندان دیگر شده است.» این مثال، از طریق تضاد و تقابل میان دو گروه هنرمند، نابرابری در

برخورد با منتقدان را برجسته‌سازی کرده و گفتمان اقتدارگرایانه روسیه را به نقد می‌کشد. مجموع این مقایسه‌ها، چهارچوبی انتقادی از رفتار قدرتها و تضادهای آن‌ها در دو عرصه جهانی ایجاد می‌کند که به سیاست متوازن رسانه نزدیک است.

جدول ۷- مقوله مقایسه

ردیف	گزاره‌ها
۱	برندهای بزرگی که در برابر تهاجم روسیه به اوکراین موضع گرفته‌اند، در مورد درگیری اسرائیل و فلسطین تمایلی به اظهار نظر نشان نداده‌اند (۱۳ اکتبر ۲۰۲۳).
۲	رهبران غربی به دلیل پاسخ‌های متفاوتشان به بحران فلسطین و اوکراین، مورد اتهام دورویی قرار گرفته‌اند (۹ اکتبر ۲۰۲۳).
۳	متحدان رئیس‌جمهور روسیه به سرعت از نتایج انتخابات تشکر کرده‌اند، اما رهبران غربی این نتایج را غیرقانونی اعلام کرده‌اند (۱۸ مارس ۲۰۲۴).
۴	در حالی که هنرمندان طرفدار جنگ توسط کرم‌لین حمایت می‌شوند، سرکوب مخالفان در روسیه باعث شده است که برخی هنرمندان کشور را ترک کنند (۸ مارس ۲۰۲۴).

نتیجه‌گیری

رسانه‌های خبری بخش مهمی از سازوکارهای تولید و انتشار نظام‌های معنایی رقیب در میدان سیاسی هستند؛ بنابراین واکاوی چگونگی نشر اخبار در این سایت‌ها و تحلیل آن ایدئولوژی حاکم آنها از اهمیت بسیاری برخوردار است. گفتمان‌ها از واقعیات میدانی تغذیه می‌کنند و می‌کوشند پس از هر رویداد، خود را باری دیگر بازتولید کرده و به حیات خود تداوم بخشند. در این پژوهش گفتمان وبسایت انگلیسی الجزیره قطر مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد این وبسایت با استفاده از استراتژی‌های ایدئولوژیک، گفتمان خاصی را چهارچوب‌بندی و برجسته‌سازی می‌کند که همسو با سیاست خارجی کشور قطر است. بررسی گزاره‌ها نشان می‌دهد الجزیره، با استفاده از استراتژی واژه‌گزینی، از اوکراین و در پی آن آمریکا و جهان غرب دفاع می‌کند. موضوعاتی که محور اصلی سیاست خارجی قطر نیز هستند. این رویه را در تمهیدات بلاغی، به‌نمایی، گواه‌نمایی و شیوه استدلال و ارجاع این سایت نیز می‌توان دید. وبسایت انگلیسی الجزیره

با بهره‌گیری از استراتژی مقایسه نیز همین راهبرد را دنبال می‌کند. به عنوان مثال جنگ روسیه و اوکراین را با جنگ اسرائیل و فلسطین، رویکرد دوگانه جامعه جهانی را برجسته کرده و با استفاده از همین استراتژی با اشاره به حمایت کرملین از هنرمندان حامی جنگ و سرکوب مخالفان، رفتار متناقض روسیه در قبال هنرمندان را هم مورد انتقاد قرار می‌دهد. الجزیره در تیتروهای خود با استفاده از استراتژی تلویح هم تلاش می‌کند روسیه را به عنوان کشوری جنگ‌طلب و عامل بحران‌های جهانی چهارچوب‌بندی کند. این رسانه با بیان گزاره‌هایی مانند «پوتین به تنهایی می‌جنگد» یا «خروج روسیه از قرارداد غلات» به طور غیرمستقیم پوتین را عامل جنگ و بحران غذایی معرفی می‌کند. همچنین الجزیره با برجسته کردن حمایت آمریکا از اوکراین و نمایش جهان در کنار اوکراین، به طور تلویحی بر مشروعیت اوکراین و انزوای روسیه تأکید می‌کند. در مجموع، الجزیره با این شیوه سعی دارد روسیه را در برابر جامعه جهانی و اوکراین را در جایگاه قربانی و مدافع نشان دهد. الجزیره دست به ساخت یک دوقطبی می‌زند که در یک طرف آن روسیه و در طرف مقابل، سایر کشورهای جهان و به ویژه دنیای غرب قرار دارد. بر اساس همین راهبرد، روسیه را اغلب به صورت منفی بازنمایی می‌کند و برای بازنمایی اوکراین از عبارات مثبت استفاده می‌کند. اما این راهبرد به طور کلی و مطلق، در همه اخبار این سایت دیده نمی‌شود. گاهی اوقات این سایت خبری، از روسیه نیز حمایت می‌کند؛ چرا که نمی‌خواهد حمایت این کشور را نیز از دست دهد. زیرا در راستای سیاست خارجی این کشور که جز کشورهای ذره‌ای محسوب می‌شود، چنین سیاستی گریزناپذیر است. اما واضح است که دفاع از روسیه همچون دفاع از اوکراین و هم‌پیمانان غربی‌اش کاملاً عریان نیست. دفاعیه‌هایی که الجزیره از روسیه به عمل می‌آورد، عمدتاً تأیید ادعاهای خود رسانه‌های کشور روسیه است. به این صورت الجزیره، در ظاهر تنها به پوشش خبری برخی از اخبار روسیه می‌پردازد، اما در واقع تأیید برخی از سیاست‌های روسیه است. به طور کلی می‌توان گفت سایت الجزیره همسو با سیاست خارجی کشور قطر عمل می‌کند و در مقابل دفاع همه‌جانبه از اوکراین و کشورهای غربی، نیم‌نگاهی نیز به روسیه دارد تا حمایت هیچ‌کدام از طرفین را از دست ندهد. بنابراین نتایج نشان داده شد بازنمایی اخبار امری ایدئولوژیک است. و وبسایت خبری الجزیره انگلیسی نیز

با استفاده از استراتژی‌های مختلف در صدد تولید نظام معنایی کلان همسو با گفتمان رسمی قطر است.

پیشنهادها

۱. تحلیل تطبیقی گفتمان رسانه‌های منطقه‌ای: با توجه به یافته‌های پژوهش که نشان‌دهنده همسویی گفتمان الجزیره با سیاست خارجی قطر است، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به بررسی تطبیقی گفتمان رسانه‌های دیگر کشورهای منطقه، مانند عربستان سعودی (العربیه) یا ترکیه (TRT World)، بپردازند تا مشخص شود چگونه این رسانه‌ها نیز از استراتژی‌های مشابه برای پیشبرد منافع ملی خود استفاده می‌کنند. این مقایسه می‌تواند به درک بهتر نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی گفتمان‌های سیاسی منطقه‌ای کمک کند.
۲. مطالعه عمیق‌تر استراتژی‌های بلاغی و زبانی: یافته‌ها نشان داد که الجزیره از استراتژی‌هایی مانند واژه‌گزینی، تلویح، و مقایسه برای چهارچوب‌بندی گفتمان استفاده می‌کند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی به تحلیل دقیق‌تر این استراتژی‌ها در متون خبری الجزیره، به‌ویژه در پوشش رویدادهای حساس مانند منازعه فلسطین و اسرائیل، بپردازند تا الگوهای زبانی و بلاغی خاص این رسانه شناسایی شوند.
۳. بررسی تأثیر سیاست خارجی قطر بر محتوای خبری الجزیره: با توجه به همسویی آشکار الجزیره با سیاست خارجی قطر، پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی به بررسی عمیق‌تر رابطه بین خط‌مشی‌های سیاسی قطر و محتوای تولیدی این رسانه بپردازند. این بررسی می‌تواند شامل تحلیل نقش مالکیت رسانه‌ای و تأثیرات مالی دولت قطر بر جهت‌گیری‌های خبری الجزیره باشد.
۴. تحلیل بازنمایی دوقطبی‌سازی در سایر بحران‌های جهانی: پژوهش نشان داد که الجزیره با ایجاد دوقطبی میان روسیه و جهان غرب، اوکراین را در جایگاه قربانی و مدافع نشان می‌دهد. پیشنهاد می‌شود این استراتژی دوقطبی‌سازی در پوشش سایر بحران‌های جهانی، مانند تنش‌های چین و

بازنمایی جنگ روسیه و اوکراین در وبسایت خبری الجزیره انگلیسی

آمریکا یا منازعات منطقه‌ای خاورمیانه، مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود آیا این الگو در سایر موضوعات نیز تکرار می‌شود.

۵. مطالعه رویکرد متعادل الجزیره در قبال روسیه: یافته‌ها حاکی از آن است که الجزیره، هرچند به صورت محدود، گاهی از سیاست‌های روسیه حمایت می‌کند تا حمایت این کشور را از دست ندهد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به تحلیل دقیق‌تر این رویکرد متعادل بپردازند و بررسی کنند که چگونه الجزیره بین حمایت از غرب و حفظ روابط با روسیه تعادل برقرار می‌کند و این تعادل چگونه در محتوای خبری بازتاب می‌یابد.

۶. بررسی تأثیر گفتمان الجزیره بر مخاطبان جهانی: با توجه به نقش الجزیره در چهارچوب‌بندی ایدئولوژیک اخبار، پیشنهاد می‌شود مطالعاتی برای سنجش تأثیر این گفتمان بر ادراک مخاطبان جهانی، به‌ویژه در کشورهای غربی و منطقه خاورمیانه، انجام شود. این پژوهش‌ها می‌توانند از روش‌های کیفی مانند مصاحبه یا تحلیل نظرات مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند.

فهرست منابع

۷. امید، علی؛ و رشیدی علویجه، مهرداد (۱۳۹۶). «جنگ رسانه در بحران اوکراین: چهارچوب‌سازی تحولات سیاسی اوکراین و کریمه (۲۰۱۳-۲۰۱۵) در شبکه‌های خبری سی ان ان (CNN) و راشاتودی (RT)»، *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۳(۱۰)، ۱۴۲-۱۷۱.

۸. شریفی، رسول؛ و پاکدهی، علیرضا (۱۴۰۲). «بازنمایی جنگ اوکراین در خبرگزاری اسپوتنیک فارسی»، *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، ۸، (۱)، ۲۱۹-۲۴۴.

۹. شیروانی دستگردی، راضیه؛ زابلی‌زاده، اردشیر؛ و کیا، علی اصغر (۱۴۰۲). «بازنمایی اخبار جنگ اوکراین و روسیه در شبکه‌های خبری فارسی زبان خارجی (مطالعه موردی: بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال)»، *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، ۸(۲)، ۹۵-۱۲۲.

۱۰. فریدونی، زهرا؛ و شمسایی، مریم (۱۴۰۲). «بررسی تطبیقی بازتاب خبری

- جنگ روسیه و اوکراین در شبکه خبر جمهوری اسلامی ایران و بی‌بی‌سی فارسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی ارتباطات، ۳۳(۳)، ۷۵-۷۵.
۱۱. موفق، رویا (۱۴۰۲). کارکردهای رسانه‌های روسیه برای اقناع افکار عمومی این کشور در جنگ اوکراین با تمرکز بر تکنیک‌های رسانه‌ای، تهران: پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی صدا و سیما.
12. Cassey, N., Calvert, B., French, L., & Lewis, J. (2002). *Television Studies: The Key Concept*. Landres y Nueva York: Routledge.
13. Chava, F., & Nachmias, D. (2000). *Research methods in the social sciences*. Worth Publishers.
14. Hall, S. (1980). Encoding/decoding. In S. Hall et al. (Eds.), *Culture, Media, Language*. Routledge.
15. Hall, S., Nixon, S., & Evans, J. (Eds.). (2024). *Representation: Cultural representations and signifying practices*. SAGE Publications Limited.
16. Jalil, A. U. (2019). *Russian energy diplomacy: the case of Russian-Qatari rivalry on the European natural gas market* (Doctoral dissertation).
17. Jwa, S. (2020). Korean EFL students' argumentative writing in L1 and L2: A comparative move analysis study. *English Teaching*, 19(2), 217-230.
18. Kayzouri, A. H., Mohebiamin, A., Saberi, R., & Bagheri-Nia, H. (2020). English language professors' experiences in using social media network Telegram in their classes: A critical hermeneutic study in the context of Iran. *Qualitative Research Journal*, 21(2), 124-134.
19. Kessler, O. (2012). The two faces of Al Jazeera. *Middle East*

Quarterly.

20. Loh, Y. H. B., Mustaffa, M. (2022). Social Media Discourse in Malaysia on the Russia-Ukraine Conflict: Rationales for Pro-Russia Sentiments. *ISEAS – YUSOF ISHAK INSTITUTE*, Singapore, (41).
21. Moscovici, S. (1988). Notes towards a description of social representations. *European Journal of Social Psychology*, 18, 211-250.
22. Ojala, M., Panti, M., & Kangas, J. (2017). Whose War, Whose Fault? Visual Framing of the Ukraine Conflict in Western European Newspapers. *International Journal of Communication*, (11), 474-498.
23. Olesya, K., & Sergei P. (2020). Agenda divergence in a developing conflict: Quantitative evidence from Ukrainian and Russian TV newsfeeds. *Media, War & Conflict*, 13(3), 237-257.
24. Postern yak, K., & Borisovna Boeva-Omelechko, N. (2018). The formation of the image of Russia in the British political mass media discourse. *Acta Scientiarum*, 2(40), 1-15.
25. Powers, S. (2011). From Broadcast to Network Journalism, the Case of Al Jazeera English. In *Histories of Public Service Broadcasters Online* (Eds. Brugger, N. and Maureen Burns), Peter Lang Publishing, New York.
26. Roman, N., Wanta, W., & Buniak, I. (2017). Information wars: Eastern Ukraine military conflict coverage in the Russian, Ukrainian and U.S. newscasts. *International Communication Gazette*, 79(4), 357-378.
27. Sharp, J. M. (23 July 2003). *The Al Jazeera News Network, Opportunity or Challenge for U.S Foreign policy in the Middle East*. CRS Report for Congress.

28. Tahir, A., Mahmood, R., & Afzal ul Haque. (2021). Portrayal of Islamic ideology: Modality analysis of PTB English language textbooks. *International Journal of Linguistics and Culture*, 2(1), 1-17.
29. Talbot, M. (2007). *Media discourse: Representation and interaction*. Edinburgh University Press.
30. Thant, U. (1971). *Activities of Dr. Jarring and the text of two memoranda and of Israel's answer*. London: Middle East international.
31. Tseng, J. J., Cheng, Y. S., & Yeh, H. N. (2019). How pre-service English teachers enact TPACK in the context of web-conferencing teaching: A design thinking approach. *Computers and Education*, 128, 171-182.
32. Van Dijk, T. A. (1998). *Ideology: A multidisciplinary approach*. SAGE Publications.
33. Van Dijk, T. A. (2015). Critical discourse analysis. In D. Tannen, H. E. Hamilton, & D. Schiffrin (Eds.), *The handbook of discourse analysis* (pp. 466-485). Wiley-Blackwell.
34. Wardhaugh, R., & Fuller, J. M. (2015). *An introduction to sociolinguistics*. Wiley Blackwell.
35. Wooffitt, R. (2011). Critical approaches to discourse analysis. *In Conversation analysis and discourse analysis* (pp. 137-157).